

حتی قدرت ورق زدن کتاب هم ندارم

گفت و گو با «سید اسماعیل نصر الهی» که با معلولیت شدید جسمی و حرکتی

رتبه ۲۵ کنکور سراسری رشته علوم انسانی را کسب کرد و مادرش که نقش پررنگی در این موفقیت دارد

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲
۱۱ صفر ۱۴۴۵ • ۲۸ آگوست ۲۰۲۲
شماره ۳۱۳۹۵

۲۵۱۵



مجید حسین زاده | روزنامه نگار



پرونده

چند روز بعد از جشن تولد ۱۸ سالگی اش، خبر موفقیت خیره کننده اش در آزمون سراسری مثل توپ صدا کرد. «سید اسماعیل نصر الهی» هر چند با کم توانی شدید جسمی و حرکتی دست و پنجه نرم می کرد، اما کاری کرد کارستان و رتبه ۲۵ کنکور سراسری رشته علوم انسانی را کسب کرد. اتفاقی که شاید باورش سخت باشد، آن هم توسط دانش آموزی که کارهای شخصی خودش را نمی تواند به تنهایی انجام دهد و تقریباً همه لحظات زندگی اش را دراز کشیده است. «سید اسماعیل» معنای دیگری به عبارت «خواستن توانستن است» داد، واژه هایی که شاید برای برخی کلیشه ای شده باشد اما هنوز می توان برای موفقیت از آن ها کمک گرفت. کسب رتبه ۲۵ دانش آموز معلول ساروی موضوعی نیست که به راحتی بتوانیم از آن بگذریم. در کنار این که تمام توانایی ها در مقابل اراده و همت بالای دانش آموز ساروی کم می آورد، عشق و فداکاری مادری را به نمایش گذاشته که نهال خواستن و توانستن را به خوبی در شخصیت فرزندش پرورش داده است. در پرونده امروز زندگی سلام با این دانش آموز کنکوری گفت و گویی داشتیم که در ادامه خواهید خواند. البته او به سختی می تواند حرف بزند و خانم «حجی زاده» نکات تکمیلی را به توضیحات مختصر پسرش اضافه می کند.

از بچگی عاشق کتاب شدم

بعد از تریک بابت کسب این موفقیت بزرگ و درخشان، از «سید اسماعیل» می پرسم که از چه زمانی به درس خواندن و مطالعه علاقه مند شده که می گوید: «از کودکی عاشق مطالعه و کتاب و درس بودم». مادرش در این باره توضیح می دهد:

بعد از تریک بابت کسب این موفقیت بزرگ و درخشان، از «سید اسماعیل» می پرسم که از چه زمانی به درس خواندن و مطالعه علاقه مند شده که می گوید: «از کودکی عاشق مطالعه و کتاب و درس بودم». مادرش در این باره توضیح می دهد:

از صبح تا ظهر در مدرسه کنارش بودم

بود اما همیشه می گفت که عاشق مدرسه است و حاضر است برای یادگیری، سختی هایش را تحمل کند. البته از سال دهم بود که مدارس به خاطر کرونا، آنلاین شد و دیگر خودش در خانه، درس می خواند.

از خانم «حجی زاده» می پرسم که پسرش مدرسه هم می رفته یا نه که می گوید: «بله، تا سال نهم مدرسه می رفت. تا همان موقع ها بود که خیلی کم قادر به نوشتن بود. خیلی کم رنگ و با کمک و خیلی سخت، می توانست بنویسد. تا قبل از سال نهم، هر روز با او به مدرسه می رفتم و یک صندلی مخصوص داشت. تمام مدت در کنارش می نشستم، از صبح تا ظهر و بعد با هم برمی گشتیم به خانه. با این که برایش سخت



هیچ درمانی برای بیماری اش وجود ندارد

از مادر «سید اسماعیل» درباره بیماری پسرش می پرسم که دقیقاً چیست و از چه زمانی شروع شده است. او می گوید: «این بچه، بعد از تولد مشکلی نداشت. غلت می زد و می نشست تا این که از ۹ ماهگی، دیگر چهار دست و پا نکرد. بعد دیگر راه هم نرفت. من هم پیگیری ها را شروع کردم و چون خود پرستار هستم برای او را به همه جا بردم. تقریباً نزد هر پزشکی در هر جایی از ایران

از مادر «سید اسماعیل» درباره بیماری پسرش می پرسم که دقیقاً چیست و از چه زمانی شروع شده است. او می گوید: «این بچه، بعد از تولد مشکلی نداشت. غلت می زد و می نشست تا این که از ۹ ماهگی، دیگر چهار دست و پا نکرد. بعد دیگر راه هم نرفت. من هم پیگیری ها را شروع کردم و چون خود پرستار هستم برای او را به همه جا بردم. تقریباً نزد هر پزشکی در هر جایی از ایران

همیشه دراز کشیده درس می خواند

از «سید اسماعیل» می پرسم که درس خواندن سخت نیست که می گوید: «من خیلی درس و کتاب را دوست دارم. البته برای من سخت است اما مدرم خیلی کمک می کند و از او ممنونم. من حتی قدرت ورق زدن کتاب را هم ندارم و مادر من این کار را برایم انجام می دهد.» از خانم «حجی زاده» درباره وضعیت جسمی پسرش و مشکلاتی که برای درس خواندن ایجاد کرده، می پرسم که می گوید: «پسر همیشه دراز کشیده درس می خواند. حتی روی صندلی

همیشه شاگرد اول بودم

از «سید اسماعیل» می پرسم که از چه سالی برای کنکور شروع به خواندن کرده که می گوید: «من همیشه شاگرد اول بودم اما از سال دهم، برای کنکور شروع به خواندن کردم». مادرش در این باره می گوید: «درس هایش خیلی خوب بود ولی از سال دهم، تصمیم گرفتیم که برای کنکور به صورت خیلی جدی تر بخواند. درس هایش تا قبل از آن هم نمونه بود و معدلش در تمام این سال ها، ۲۰ بود. همیشه نفر اول در کلاس بود. با این حال، من تصمیم گرفتم که سال دهم، خیلی روی او فشار

از «سید اسماعیل» می پرسم که از چه سالی برای کنکور شروع به خواندن کرده که می گوید: «من همیشه شاگرد اول بودم اما از سال دهم، برای کنکور شروع به خواندن کردم». مادرش در این باره می گوید: «درس هایش خیلی خوب بود ولی از سال دهم، تصمیم گرفتیم که برای کنکور به صورت خیلی جدی تر بخواند. درس هایش تا قبل از آن هم نمونه بود و معدلش در تمام این سال ها، ۲۰ بود. همیشه نفر اول در کلاس بود. با این حال، من تصمیم گرفتم که سال دهم، خیلی روی او فشار



روزی ۱۲ ساعت درس می خواندم

از این پدیده کنکور امسال درباره میزان ساعت هایی که در روز برای کنکور درس خوانده می پرسم که می گوید: «تقریباً ۱۰ تا ۱۲ ساعت، هر روز مطالعه داشتم. هم مطالب جدید می خواندم هم تست می زدم». مادرش هم می گوید: «شرایط جسمی پسر من خیلی سخت است. او حتی برای نفس کشیدن مشکل

از این پدیده کنکور امسال درباره میزان ساعت هایی که در روز برای کنکور درس خوانده می پرسم که می گوید: «تقریباً ۱۰ تا ۱۲ ساعت، هر روز مطالعه داشتم. هم مطالب جدید می خواندم هم تست می زدم». مادرش هم می گوید: «شرایط جسمی پسر من خیلی سخت است. او حتی برای نفس کشیدن مشکل

همیشه به پسر م می گفتم تو نخبه هستی

از او می پرسم که آیا تا قبل از اعلام نتایج کنکور سراسری، فکرش را می کرده که موفق به کسب رتبه ای مانند بیست و پنجم شود که «سید اسماعیل» می گوید: «من فکر می کردم که رتبه ام سه رقی و زیر هزار باشد». مادرش هم می گوید: «همیشه

از او می پرسم که آیا تا قبل از اعلام نتایج کنکور سراسری، فکرش را می کرده که موفق به کسب رتبه ای مانند بیست و پنجم شود که «سید اسماعیل» می گوید: «من فکر می کردم که رتبه ام سه رقی و زیر هزار باشد». مادرش هم می گوید: «همیشه کلمه نخبه را به پسر م می گفتم. این اواخر مدام به او می گفتم که من در تو می بینم که جزو رتبه های برتر کنکور باشی. به طور کلی برایم مهم بود که همیشه به او اعتماد به نفس بدهم. خیلی برایم مهم بود. از بچگی، بارها به او می گفتم که تو برای کنکور، رتبه دورقمی



برای یادگیری نیاز به تکرار نداشت

«من همیشه در پسر م توانمندی هایش را می دیدم. متوجه می شدم که برای یادگیری نیاز به تکرار ندارد و یک بار که در سش را می خواند، به طور کامل حفظ می شود و یاد می گیرد. کاملاً موضوع را متوجه می شد و حتی به من گوشزد می کرد که فلان نکته را هم باید از این مطلب برداشت کنیم». خانم «حجی زاده» با این مقدمه می افزاید: «پسر م اصلاً از مطالعه خسته نمی شود».

«من همیشه در پسر م توانمندی هایش را می دیدم. متوجه می شدم که برای یادگیری نیاز به تکرار ندارد و یک بار که در سش را می خواند، به طور کامل حفظ می شود و یاد می گیرد. کاملاً موضوع را متوجه می شد و حتی به من گوشزد می کرد که فلان نکته را هم باید از این مطلب برداشت کنیم». خانم «حجی زاده» با این مقدمه می افزاید: «پسر م اصلاً از مطالعه خسته نمی شود».

شطرنج باز ماهری هستم و حریف می طلبم

است و به جز یک سال اخیر که کنکور داشت، تقریباً همه بازی های این تیم را نگاه می کند».



شاید این تصور درباره «سید اسماعیل» برای تان به وجود بیاید که او فقط درس می خواند و هیچ کار دیگری انجام نمی دهد. جالب است بدانید که در شطرنج هم چندین مقام کشوری آورده است. خودش در این باره می گوید: «خدا را شکر توانستم در رشته شطرنج هم موفق باشم. شطرنج باز ماهری هستم و حریف می طلبم». مادرش هم می گوید: «پسر م عاشق تماشای فوتبال هم هست. به استقلال علاقه زیادی دارد و طرفدار تیم منچستر یونایتد است. عاشق منچستر یونایتد

به صورت خودخوان خواندم

از رتبه ۲۵ کنکور سراسری می پرسم که معلم خصوصی داشته یا نه که می گوید: «به صورت خودخوان خواندم و به هیچ کلاسی نرفتم». مادرش با تایید حرف پسرش می گوید: «پسر م بدون هیچ مشاوره در کنکور رتبه ۲۵ گرفته است. تنها مشاور او، من و خودش بودیم که همه برنامه ریزی ها را با هم انجام می دادیم. البته بیشتر هم خودش برنامه ریزی می کرد که امروز

از رتبه ۲۵ کنکور سراسری می پرسم که معلم خصوصی داشته یا نه که می گوید: «به صورت خودخوان خواندم و به هیچ کلاسی نرفتم». مادرش با تایید حرف پسرش می گوید: «پسر م بدون هیچ مشاوره در کنکور رتبه ۲۵ گرفته است. تنها مشاور او، من و خودش بودیم که همه برنامه ریزی ها را با هم انجام می دادیم. البته بیشتر هم خودش برنامه ریزی می کرد که امروز

احساس ضعف و کمبود ندار د

«از کودکی به فرزندم یاد دادم که مهم ذهن انسان هاست نه توانایی و مسائل دیگر و این اطمینان را به فرزندم دادم که بدن و جسمش شوم و همین باعث شد هیچ گاه معلولیتش به چشمش نیاید». خانم «حجی زاده» ادامه می دهد: «گاهی ما از برخورد های دیگران در قبال او ناراحت می شویم اما او اصلاً ناراحت نمی شود. واقعاً پسری با اعتماد به نفس بالاست و اصلاً احساس نمی کند که ضعف یا کمبودی دارد. مدرسه اش هم خیلی با ما همکاری می کرد. مثلاً موقع امتحانات، سوالات را برای من می فرستادند، پسر م در خانه جواب می داد و من برگه ها را می بردم مدرسه. جالب است بدانید با این که همکلاسی هایش در دوران آنلاین، بچه من را ندیده بودند اما خیلی دوستش داشتند. همیشه می گفتند که می شود بیاید او را ببینیم. دوست داشتند به او سر بزنند».

پدرش شب ها تا صبح کنار اوست

از خانم «حجی زاده» درباره نقش پدر «سید اسماعیل» در این موفقیت می پرسم که می گوید: «شوهرم دندان پزشک است. من هم که گفتم، پرستارم و بعضی شب ها که کشیک داشتم، همه کار های پسر م پدرش بود. شب ها پدرش باید تا صبح در کنار پسر م بیدار باشد، جابه جایش کند و ... چون حتی پسر م قدرت ندارد که دستش را تکان دهد. پدرش خیلی کمک و همکاری کرد. همه با هم تلاش کردیم تا این موفقیت به دست آمد. همه به من می گویند که اگر با پسر م در کنکور شرکت می کردم، همان نتیجه را می گرفتم چون من در تمام این مسیر در کنارش و همراه او بودم اما فقط موفقیت پسر م برای من مهم بود، من هیچی نمی خواهم».

خدا خیلی کمک کرد

«سید اسماعیل» درباره حس و حالش در این روز ها می گوید: «خیلی خوشحال هستم. خدا به من خیلی کمک کرد و الان خیلی خوشحال هستم». مادرش هم در این باره می گوید: «همیشه به او می گفتم که خدا در تمام مراحل زندگی برای تو درست می کند و راه را به تو نشان خواهد داد. تو فقط باید تلاش کنی.



همین هم باعث شد که پسر م موفق شود و الان خیلی خوشحال است. من هم بابت خوشحالی پسر م خیلی خوشحالم. این روز ها اطرافیان و آشنایان مدام زنگ می زنند و تبریک می گویند. بعضی ها حضوری می آیند، از مسئولان و اقوام بگیرند تا معلم هایش. از همه ممنونم».

آرزویم تحصیل در رشته فلسفه

دانشگاه تهران است

«سید اسماعیل» که رتبه ۲۵ کنکور سراسری رشته علوم انسانی را کسب کرده، یک درخواست هم دارد و می گوید: «دوست دارم در رشته فلسفه دانشگاه تهران درس بخوانم و از مسئولان در خواست می کنم که شرایط تحصیل غیر حضوری ام را در دانشگاه فراهم کنند». مادرش می گوید: «همان طور که گفت، علاقه اش به رشته فلسفه است تا در آینده بتواند نویسنده داستان های فلسفی شود. درخواستش این است که بتواند رشته فلسفه را در دانشگاه تهران به صورت آنلاین بخواند. من همه تلاش را خواهم کرد و امیدوارم این اتفاق بیفتد. مسئولان قول دادند کارهایی انجام بدهند تا بتواند در سش را ادامه بدهد. امیدوارم پسر م بعد از این همه تلاش، نتیجه کار هایش را ببیند».